

تأثیر سبک زندگی اسلامی بر فرهنگ و اقتصاد

زهرا امینی^۱

کارشناسی ارشد زبان ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، ایران

Zahra_amini1385@yahoo.com

چکیده:

«سبک زندگی» به معنای مجموعه رفتارهای برآمده از نگرش‌ها، هنجارها و باورهای فردی و اجتماعی بوده و در هر جامعه‌ای شخصیت و هویت فردی و اجتماعی را آشکار می‌سازد و آن بخش از رفتارهایی است که افزون بر آنکه نباید با فقه و شریعت مخالف باشد، باید از منظومه فکری، معرفتی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مسلمانان برآید. از این رو با توجه به موضوع، ابتدا مقاله به سه بخش تقسیم شده است که در آن به تعریف مفاهیم لغوی و اصطلاحی سبک زندگی اسلامی، فرهنگ و اقتصاد پرداخته شده است سپس با بررسی جایگاه مفاهیم فرهنگ و اقتصاد در سبک زندگی اسلامی به این نتیجه رسیدیم که با توجه به متأثر شدن فرهنگ ما از دین مبین اسلام، تمامی ابعاد سبک زندگی از جمله فرهنگ و اقتصاد با دین پیوند خورده‌اند و در جامعه فرهنگ و اقتصاد را می‌توان در یک راستا به صورت «فرهنگ اقتصاد» یا «اقتصاد فرهنگ» بکار برد که هر یک با توجه به فضای جامعه اسلامی ما لازم و ملزوم یکدیگرند. لذا این مقاله به روش توصیفی تحلیلی تهیه و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی نگارش شده است.

کلیدواژه: سبک زندگی - سبک زندگی اسلامی - اقتصاد - فرهنگ

¹ مدرس حوزه علمیه الزهراء خلخال

The Impact of Islamic Life style on Culture and Economy

Zahra Amini ²

M.A.in Farsi Language and Literature Department of Literature Azad University, Khalkhal, Iran
(Zahra _ amini 1385@yahoo.com)

Abstract

“Life style” refers to a set of behaviors derived from individual and social view points, norms and beliefs that show the individual and social identity and character in any society. Life style is that part of behavior that not only shouldn’t conflict with the religion and canon law ‘but also it should derive from the mental, perceptual, word view, and anthropology of Moslems. This paper was first divided in to three parts regarding its topic, to discuss the definitions of literal and terminological concepts of the Islamic Life style, culture, and economy. Then investigating the place of concepts of culture and economy within the Islamic life style, we came to the conclusion that with respect to the impact of Islamic on our culture, there is a strong link between the whole dimensions of on our life style such as our culture and economy, and religion. Thus in our Islamic society the terms “ culture” and “economy” can be used in the same direction as “Culture of economy” or “Economy of culture” because they are interdependent. This research was conducted through descriptive – analytical method, using library and internet techniques.

Keywords: *Life style, Islamic life style, Culture of economy, Economy of culture*

² Teacher in ladies’ theological school of Azzahra(P.b.u.h),khalkhal

مقدمه

اسلام آخرین و کامل‌ترین دین در میان ادیان الهی است که به واسطه یکی از بهترین بندگانش برای هدایت بشر آورده شده است و به‌راستی که خداوند فرموده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ».^۳ این آیه از آن‌روست که دین اسلام دربرگیرنده احکام و فرمان‌هایی است که زندگی شریف‌ترین مخلوقات تا روز قیامت بر اساس آن بنا شده و همه را مکلف به انجام آن‌ها نموده است و عمل به این احکام و فرمان‌های الهی، زندگی به سبک اسلامی را به وجود می‌آورد؛ زندگی که انسان در آن معنا می‌یابد و اگر در چهارچوب سبک اسلامی باشد همان حیات طیبه است. حیات باارزشی که اگر خصوصیات و ویژگی‌هایش به نحو احسن شناخته و اقامه شوند، نه اسلام به خطر می‌افتد و نه احدی می‌تواند در جهت تضعیف آن برآید.

با نظر به اینکه سبک زندگی مسلمانان با توجه به دین شکل می‌گیرد، پس رابطه عمیقی بین باورها و ارزش‌های دینی و سبک زندگی آن‌ها وجود دارد و در عصر معاصر نیز که کشورهای غربی، عزم خود را جزم کرده‌اند تا تمام کشورهای اسلامی را از هر نظر تحت سیطره خود درآورند و فرهنگ و باورهای غلط خود را چنان برجسته‌نمایند که دیگر هیچ اثری از اسلام باقی نماند. آنگاه که یک فرهنگ تاریخی می‌شود و درون‌مایه‌ها و بن‌مایه‌های یک تمدن می‌گردد، تاریخی شدن آن فرهنگ و تمدن، سبب پایداری سنت به شمار می‌آیند. سنت اسلامی از منظر ما از آب‌شخور وحی و قرآن و نهج‌البلاغه و روایات سیراب می‌شوند و امری است قدسی و آسمانی و ملکوتی که مرزهای شفاف و روشنی با خرافه‌گرایی و تجرد دارد، و به نظر می‌رسد که منشور ارائه‌شده از سوی مقام معظم رهبری تمامی مؤلفه‌های سبک زندگی اعم از: هویت، ارزش‌ها، نظام آموزش، زبان و ادبیات، خانواده، ساختار اجتماعی، دین‌داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، فن‌آوری و... با مباحث دینی و اسلامی پیوند خورده است. درباره موضوع اصلی این مقاله که بررسی تأثیر سبک زندگی اسلامی بر فرهنگ و اقتصاد است باید گفت که در این خصوص رابطه فرهنگ با سبک زندگی اسلامی و یا اقتصاد با سبک زندگی اسلامی به‌صورت جداگانه در میان مفاهیم موردنظر تا حدودی بررسی گشته ولی از نظر تجمیع این دو مؤلفه (فرهنگ و اقتصاد) و بررسی ارتباط دوگانه با یکدیگر در سبک زندگی اسلامی پژوهشی رخ نداده است لذا از این حیث این مقاله برجسته بوده و بر آن هستیم تا در این مقاله به این نکته پردازیم که آیا میان سبک زندگی اسلامی و دو مقوله فرهنگ و اقتصاد رابطه‌ای مثبت برقرار است یا خیر؟

^۳. (آل‌عمران، ۱۹)

*بحث و بررسی

1. سبک و سبک زندگی در لغت و اصطلاح:

«سبک در لغت به معنای طرز، شیوه و روش است، شیوه مشخصی که در انجام گرفتن کاری یا ساخته شدن چیزی به کار می‌رود و در اصطلاح یعنی روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تغییر سبک ادبی و وجه خاص خود را از لحاظ صورت و معنا القا می‌کند و آن به نوبه خود وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت است و سبک به معنای عام یعنی تحقق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی مدول خویش می‌سازد.»^۴

اما درباره سبک زندگی دهخدا این‌گونه می‌نویسد: حیات، مهیا، نقیض مرگ، زندگانی، مقابل مردگی، آن صفتی است مقتضی حس و حرکت، معنی زندگی {در حیوان} آن است که حیوان را ادراک محسوسی است و به اختیار خویش حرکت‌ها می‌کند.^۵ پس زندگی و حیات در لغت زیستن و زندگی کردن است و در اصطلاح در دو معنای عام و خاص به کاررفته است که به شرح ذیل است:

تعریف عام: «درباره تمام موجودات زنده به کار می‌رود و عبارت است از بهره‌مندی هر موجود زنده، از اوصافی چون ادراک، احساس، حرکت، تغذیه، رشد و...».

تعریف خاص: «آنکه فقط در مورد انسان به کار می‌رود، با توجه به مبانی معرفتی، اعتقادی و افکار و اندیشه انسان‌ها فرق می‌کند. افرادی که در عالم حس، و وهم و خیال به سر می‌برند، خواهان زندگی مادی و طبیعی هستند و زندگی را به معنای بهره‌گیری هرچه بیشتر از لذت‌های مادی، شهوت و غضب است.»^۶

2. نگاهی به مفهوم سبک زندگی

با توجه به تعاریف ذکر شده در مبحث قبل سبک زندگی را از سه رویکرد می‌توان مورد بررسی قرارداد:

الف - رویکرد روان‌شناسانه: که به ارزش‌ها، هنجارها و منشأ رفتارها توجه ویژه‌تری می‌شود و جایگاهی همچون اصطلاح «شخصیت» و «منش» دارد.

ب - رویکرد جامعه‌شناسانه: توجه به رفتارها و نمودهای رفتاری است.

ج - رویکرد دین‌شناسانه: مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته که متأثر از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده فرد یا گروهی از افراد شده‌اند.^۷

۴. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج 28، تهران، موسسه انتشارات دهخدا، 1363

۵. همان، جلد 28

۶. احمد حسین شریفی، همیشه‌بهار - اخلاق و سبک زندگی اسلامی - چاپ اول، قم انتشارات معارف، ص 17

سبک زندگی به هستی و وجود فرد وحدت می‌بخشد و این وحدت بخشی اصلی‌ترین ویژگی سبک زندگی است که به فرد اجازه می‌دهد تا برای دست‌وپنجه نرم کردن یا معماهای حاصل در تغییر اجتماعی، آمادگی بیشتری داشته باشند.^۸

رفتارهای موقتی یا موردی افراد یا گروه را نمی‌توان سبک زندگی تلقی کرد، مثلاً اگر کسی یک‌بار کراوات بزند نمی‌توان گفت که این پوشش سبک زندگی او شده است و... پس سبک زندگی که یک شخص در زندگی برای خود برمی‌گزیند، ارتباط مستقیمی با باورها و ارزش‌هایش دارد. انسان با توجه به شناخت از زندگی برای رسیدن به یک زندگی آرمانی و ایدئال در تلاش است و برای شکل‌دهی به این نوع از زندگی به شیوه خاصی عمل می‌کند. این سبک زندگی است که به زندگی و خود شخص هویت و ارزش می‌بخشد و در واقع رفتار فرد یا جامعه را از رفتار افراد یا جوامع دیگر ممتاز می‌سازد.

3. نگاهی به مفهوم سبک زندگی اسلامی

«سبک زندگی اسلامی آن بخش از رفتارهایی است که افزون بر آنکه نباید با فقه و شریعت مخالف باشد، باید از منظومه‌های فکری، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی مسلمانان برآید.»^۹ و به تعبیر دیگر: «سبک زندگی دینی (اسلامی) به این معناست که در هر موقعیت، باید چه روشی را به کار گرفت که در بردارنده آموزه‌ها و مبانی دینی باشد. در واقع احکام و آداب دینی یا شریعت به ما کمک می‌کند تا سبک و شیوه رفتار دینی و متناسب با آن موقعیت را به دست آوریم و سبب شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی می‌گردد و بر اساس آن می‌توانیم شیوه زندگی را بسازیم و الگو و چگونگی رفتار انسان مسلمان را در موقعیت‌های گوناگون فردی - اجتماعی مشخص می‌کند... در واقع سبک زندگی بر اساس شریعت شکل می‌گیرد و در سبک زندگی شیعی شریعت نقش دارد و ناگزیر بر اساس سبک زندگی، تمدن شکل می‌گیرد به‌طور کلی می‌توان بدین شکل بیان نمود که:

مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی ← شریعت ← سبک زندگی اسلامی ← تمدن اسلامی^{۱۰}

از سوی دیگر، جهت و نشانه کشورهای غربی به سمت مسلمانان است تا از طریق ممکن، دین و فرهنگشان را تضعیف کرده و تحت نفوذ خود درآوردند و بهترین راه نفوذ، در بین جوانان است و بدین‌وسیله در تلاش‌اند تا با ترویج زندگی به سبک خودشان، امور همه ملل را درید خویشتن گیرند تا رفته‌رفته اثری از اسلام و مذهب تشیع باقی نماند؛ حال برای اینکه سبک زندگی اسلامی بر سایر سبک‌های زندگی برتری داشته باشند و به راحتی دستخوش تغییر و تحولات قرار نگیرند باید کشورهای اسلامی با عمل به آداب، اخلاق، اعتقادات، رعایت و تقویت مهم‌ترین و اساسی‌ترین آداب دینی در بین جوانان جامعه و حتی مردم جوامع غیر اسلامی، راه نفوذ فرهنگ غربی به فرهنگ اسلامی را ببندند و وظیفه اصلی ما در قبال آن، رفتن به شیوه‌ای است که در دین اسلام به

7. احمد حسین شریفی، مقاله سبک زندگی به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان، نشریه فرهنگی - اجتماعی معرفت، سال سوم، شماره

3، تابستان 1391، ص 49 - 62

8. محمد فاضلی، مصرف و سبک زندگی، چاپ اول، قم، نشر صادق، 1382، ص 112

9. سید رضی موسوی گیلانی، مقاله چیستی و چرایی سبک زندگی و نسبت آن با دین مهدویت، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال هفتم، شماره 25، بهار 1392، ص 123 - 138

10. سید رضی موسوی گیلانی، مقاله چیستی و چرایی سبک زندگی و نسبت آن با دین مهدویت، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود،

سال هفتم، شماره 25، بهار 1392، ص 131

آن سفارش و تکلیف شده و جزو ارزش‌ها محسوب می‌شود و ترک آن برخلاف آموزه‌های دینی بوده و تعهدات یک شیعه را زیر سؤال می‌برد، لذا بهتر است که سعی کنیم به جای بی‌اعتقادی، مسیر الهی را برگزینیم، به جای بی‌عفتی با انتخاب حجاب به خود ارزش دهیم، به جای اسراف و مصرف‌گرایی بیش‌ازحد، قناعت و صرفه‌جویی و موکد بودن (تولید) و... را برگزینیم.

«چنانچه اگر بخواهیم کتاب الهی را مبنای مناسب و سبک زندگی قرار دهیم، باید آن را در همه عرصه‌های حیات و لایه‌های زندگی لحاظ کنیم و همه ساحت‌های زندگی، ساحتی قرآنی باشد که اگر تمام آن در بستر قرآن واقع شود، جزو کسانی می‌شویم که کلمه «لا اله الا حصنی» را روش پرورش خود در بستر توحید قرار داده‌اند. سبک زندگی قرآنی، زندگی در «حیات طیبه» و «توحید» است. اگر محیط ولایت، حصن الهی است پس باید تمام زندگی ما در این محیط واقع شود و این سبک زندگی، الهی است.»^{۱۱}

4. مفهوم فرهنگ در یک نگاه

مفهوم فرهنگ به علت گستردگی و وسعت، کار ساده‌ای نیست به گونه‌ای که در لغت‌نامه‌های گوناگون تعریف مختلفی ارائه شده است، چنانچه در لغت‌نامه دهخدا آمده است:

فرهنگ کلمه‌ای برگرفته‌شده از فر به‌عنوان پیشوند+هنگ از ریشه ننگ اوستایی به معنای کشیدن و فرهیختن است و یا در فرهنگ فارسی معین به صورت علم یا دانش، تربیت، ادب، واژه‌نامه، کتاب لغت، عقل و خرد، تدبیر و چاره آمده است.

از سوی دیگر فرهنگ در برداشت فکری مردم ایران مترادف با خردمندی، فرزاندگی و بزرگ‌منشی است. نکته قابل توجه این است که فرهنگ میراث یک ملت است که مجموعه‌ای از دست آورده‌های هنری، فکری و اخلاقی آن را تشکیل می‌دهد و یک‌بار برای همیشه حاصل آمده و وحدت آن ملت را پایه‌گذاری می‌کند و گاه نحوه تلقی ذهن جمعی انسان از جهان هستی و خویشتن و مناسبات خود با جهان و هموعان خویش و به‌طور کلی نوع تصور و تصدیق جمعی انسان در باب زندگی و معنا و جهت آن گفته می‌شود که تمام موارد ذکرشده در قالب رفتار اجتماعی و مناسبات خاص خویش و بیگانه و در ارتباط با طبیعت ظهور و بروز پیدا می‌کند.^{۱۲}

تمام فرهنگ‌هایی که به‌عنوان یک میراث ملی پایدار و استوار هستند دارای عواملی می‌باشند که باعث این پایداری می‌گردند مانند:

1. رابطه مثبت یک فرهنگ با بعضی از اجزای ضروری یک جامعه: مانند فرهنگ خاص مردم هند نسبت به حیوانات
2. عنصر زمان: که گاهی عناصر فرهنگی یک جامعه در طول زمان تثبیت می‌شود.
3. آداب و رسوم و عقاید و سنت‌های یک ملت: که از عناصر فرهنگی آن ملت محسوب می‌شود و گروه‌های مختلف تأثیر گذاشته و موجب پیدایش هویتی خاص در جامعه می‌گردد و همین خود موجبات استمرار فرهنگ جامعه را پدیدار می‌کند.

11. ر.ک سایت حوزه www.hazah.net/، سخنرانی آیت‌الله جوادی آملی، 1379.

12. ر.ک. سایت دلشده. بخش فرهنگ. www.delshodeh.ir

4. تطابق فرهنگ‌ها با واقعیت‌ها: از آن‌روست که هرچه فرهنگی با اصول ثابت حیات بشری هماهنگی داشته باشند از ثبات و پایداری بالاتری برخوردار است لذا اگر این عوامل در جهت استمرار یک فرهنگ از ضرورت‌های قومی ناشی از اصول و قوانین روحی و روانی آن قوم باشد بی‌شک گذشت زمان آن ضرورت‌ها را از میان نخواهد برد.

5. مفهوم اقتصاد در لغت و اصطلاح:

«اقتصاد از کلمه «قصد» به معنای میانه‌روی، میانه راه رفتن و میانه نگاه داشتن آمده است.^{۱۳} و در فرهنگ معین میانه‌روی در هر کاری، رعایت اعتدال در دخل و خرج، میانه‌روی در هزینه‌ها آمده است.^{۱۴}»
به‌طور کلی پی بردن به تعریف‌های جامع و کاملی از اقتصاد بسیار دشوار است و این علم از آنجایی که در حال رشد و تحول و سیر تکاملی است پس می‌توان گفت که نظرات و تعاریف گوناگونی نیز در این خصوص ارائه می‌شود. در مقاله‌ای از دکتر طهماسب محتشم دولتشاهی آمده است: تعاریف علم اقتصاد را در گذر زمان می‌توان به چهار گروه خلاصه کرد:

1. تعاریف اولیه
2. تعاریف کلاسیک
3. تعاریف نئوکلاسیک
4. تعاریف مدرن

لذا در این مقاله با توجه به محدودیت‌های موجود، تنها به تعاریف مدرن بسنده می‌کنیم. در این تعاریف، این نکته در نظر گرفته شده است که انسان از بعد فردی و اجتماعی دارای نیازهای متعددی است که باید برآورده شود (از قبیل نیاز به غذا و مسکن و...) و کالاهایی که برای برآوردن نیازهای انسان مورد استفاده قرار می‌گیرند، از طریق عواملی تولید می‌شوند که خود آن عوامل در طبیعت به مقدار محدود یافت می‌شوند و معمولاً به سه گروه کلی نیروی کار، زمین و سرمایه تقسیم می‌کنند. بر این اساس علم اقتصاد علمی است که رفتار بشر را به‌عنوان رابط بین نیازهای نامحدود و عوامل تولید کمیاب که موارد استفاده متعددی نیز دارند، مطالعه می‌کند.^{۱۵}

اما انسان با توجه به تمایلاتی که نسبت به رفع نیازهای خود دارد، سعی می‌کند که با صرف تلاشی یا هزینه‌ای، حداکثر نتیجه را به دست آورد. پس می‌توان گفت که اقتصاد علمی است که رفتار و رابطه انسان را با اشیای مورد نیاز او که به‌رایگان در طبیعت یافت نمی‌شود مطالعه می‌کند که این مطالعه باید به بهبود رفاه مادی و اجتماعی بشر کمک کند و موضوع اقتصاد عبارت است از ثروت (کالاها، خدمات و منابع) از حیث چگونگی تولید، توزیع و مصرف آن. از سوی دیگر تا زمانی که خواستگاه فرهنگ اقتصاد بر پایه مفاهیمی چون سودمحوری، سرمایه‌سالاری و تکثرگرایی استوار باشد و کارشناسان و مدیران اقتصاد وفادار به آن باشند، نمی‌توان در یک جامعه به یک تحول اقتصادی که به سود مردم و کشور باشد دست یافت اما از زمانی که از تولید ثروت بر پایه جهاد، اخلاص و ایثار تحت حاکمیت یک فرهنگ اقتصادی سخن به میان می‌آید، مفهومی در جامعه سرازیر می‌شود تحت عنوان جهاد اقتصادی که مفهومی ارزشی است.

13. ر.ک. سایت واژه‌یاب، دهخدا www.vajeh.yab.ir

13. همان: معین

15. ر.ک. سایت راسخون، اقتصاد چیست؟ دکتر طهماسب محتشم دولتشاهی. www.rasekhon.net

بر این اساس در بین متغیرهای نظام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، فرهنگ اصلی‌ترین و بااهمیت‌ترین متغیرها محسوب می‌شود که شکل‌دهنده به‌عنوان یک رهبر به دیگر نظام‌ها از جمله اقتصاد است و زمانی که در یک جامعه اسلامی سخن از تلاش و مجاهدتی مقدس در عرصه‌های مختلف اقتصادی به گوش می‌رسد و زمانی که به پیام مشهور رهبر معظم انقلاب اسلامی تحت عنوان جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی برمی‌خوریم، دیده می‌شود که این سخن منبعث شده از اسلام است و پذیرش چنین فرهنگی ناشی از فرهنگ اسلام ناب محمدی، ایرانیست و انقلابی بودن جامعه در جهت ایجاد توازن و «عدالت فرهنگی» است.

«در بند هشتم از ابلاغیه مقاومتی آمده است که: مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید؛ و همچنین در بند شانزدهم از همین ابلاغیه به‌طور غیرمستقیم به سبک زندگی اشاره شده می‌کند: صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی و... که بخش بزرگی از موفقیت اقتصاد مقاومتی در گرو اصلاح سبک زندگی قرار می‌گیرد و نیز در بند بیستم ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره‌ای دارند به تقویت فرهنگ جهادی در جهت ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، کارآفرینی، اشتغال مولد و...»^{۱۶}

در تمام این ابلاغیه هدف از بیان و ذکر اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر روی خدمات تولید داخلی و تلاش در جهت خوداتکایی در راه رسیدن به اقتصاد پویاست، اقتصادی که همراه با رشد و توسعه است، رشد اقتصادی که در جهت مفهوم کیفی و توسعه اقتصادی در جهت مفهوم کمی است.

در جهت فهم درست و کامل از رشد و توسعه اقتصادی توجه شمارا به این بخش از سخنان رهبر معظم انقلاب در سخنرانی شعار سال 1393 جلب می‌کنم که کل این سخنان حاکی از هدفمند کردن اقتصاد با توسعه فرهنگ مصرف مردم است:

عمده، مردم هستند. شما باید کالاهای ایرانی بخواهید. این افتخار نیست، این تفاخر غلطی است که ما، مارک‌های خارجی را در پوشاکمان، در وسایل منزلمان و... ترجیح بدهیم درحالی‌که تولید داخلی در خیلی از موارد بسیار بهتر است... در زمینه مصرف عمده کار در دست مردم است که این بخشی از الگوی مصرف است و...»^{۱۷}

6. ارتباط فرهنگ، سبک زندگی و اقتصاد:

تراسپی می‌گوید: «اقتصاد مدرن نمی‌تواند فارغ از ارزش باشد، به همین نحو می‌توان گفت که اقتصاد به‌مثابه کوشش عقلانی نمی‌تواند فارغ از فرهنگ باشد.»^{۱۸}

لذا این فرهنگ است که بر پیامدهای اقتصادی از 3 راه تأثیر می‌گذارد:

- 1 - فرهنگ بر کار آبی اقتصاد تأثیر می‌گذارد یعنی از طریق ترویج ارزش‌های مشترک اقتصادهای تولیدی را معین می‌کند.
- 2 - فرهنگ بر انصاف تأثیر می‌گذارد.
- 3 - می‌توان فرهنگ را تأثیرگذار بر اهداف اقتصادی و اجتماعی دانست.

16. ر.ک. سایت خوانسار نیوز، بخش ساست های کلی اقتصاد مقاومتی www.hkansarnews.ir

17. ر.ک. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، گنجینه معارف، اقتصاد مقاومتی. www.hawzah.net

18. دیوید تراسپی (1391). اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، نشر نی، چاپ پنجم، صفحه 27

و با مدنظر داشتن مطالب ذکر شده در خصوص اقتصاد ایران و سبک مرسوم در آن این‌گونه گفت که پس از جنگ در تکاپوی تحقق بخشیدن به اهداف اقتصادی انقلاب و دستیابی به توسعه اقتصادی طبق راهنمایی‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در دامن اقتصاد بازار و سرمایه‌داری افتاد و پیامدهای فرهنگی این نظام اقتصادی در جامعه ایرانی بسیار شگرف بود. لذا ایران با داشتن شرایط خاص با جمعیت اکثریتی شیعه و تأثیرگذاری در منطقه در نوک پیکان دشمنی‌های بین‌المللی قرارداد که این عوامل باعث شده تا روند اقتصادی، اجتماعی و به تبع آن سبک زندگی فعلی حاکم بر جامعه ایرانی مطلوب نباشد و به دلیل تداوم داشتن دشمنی‌ها با ایران، دستیابی به الگوی جدیدی از پیشرفت از جمله عدالت و سبک زندگی اسلامی در مقابل این تهدیدات، لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ که این‌گونه الگوهای جدید باید بر پایه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و رونمای اقتصادی مقاوم استوار باشد. اگرچه گاهی این سیاست‌ها بر پایه اقتصاد سرمایه‌داری هستند که خود اثرات منفی بر سبک زندگی ایرانیان می‌گذراند که مانع مهمی در تحقق اقتصاد مثبت هستند. از جمله آن‌ها مصرف‌گرایی، رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، ضعف اخلاقیات در جامعه و کم‌رنگ شدن ارزش‌هایی مثل ایثار و خود گذشتگی، مدگرایی به جای خرید بر اساس نیاز، عادت به استفاده از کالاهای وارداتی غیر ضروری و عدم توجه به تولیدات محلی و...

لذا این‌گونه فرهنگ حاکم بر جامعه امروزی، ضد توسعه و ضد ارزش‌ها و مفاهیم ناب اسلام است. حال باید به دنبال راهکارهایی برای خروج از موانع یاد شده که می‌توان 2 راهکار را در نظر داشت.

راهکار اول کوتاه‌مدت است که عمدتاً بر اصلاح فرهنگی مبتنی است و یکی از این بهترین و سریع‌ترین ابزارها به شمار می‌آید که می‌تواند با استفاده از رسانه‌های جمعی همچون صداوسیما به این راهکار جهت ببخشد آن‌هم با اسوه سازی و قهرمان‌پروری‌های دینی (اسلامی) چراکه از دیدگاه دین مبین اسلام پیامبر اکرم (ص) اسوه و الگویی برای تمام مسلمانان است. راهکار دوم بلندمدت است و از آنجایی که گاهی راهکار کوتاه‌مدت به راحتی ممکن نباشد این راهکار ارائه می‌شود؛ چراکه عنوان کوتاه‌مدت تنها به عنوان بستری برای تغییر روش فکری جامعه است و واضح است که چندین قرن از الگوسازی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عقب هستیم که با راهکارهای متفاوت ممکن و امکان‌پذیر است، مانند بسیج شدن جامعه اعم از متفکران دانشگاهی و حوزوی و ...، اولویت بخشیدن به مشکلات و سرعت دادن به کارها، بکارگیری تمام ظرفیت نخبگان جامعه و کنار گذاشتن سلیقه‌های حزبی و شخصی، استعدادیابی در مدارس و دانشگاه‌ها و ...

نتیجه‌گیری:

سبک زندگی (Life Style) مفهومی است که در ادبیات علوم اجتماعی و علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شکل گرفته است و معنایی است اندام‌وار و به هم پیوسته از مؤلفه‌های مختلف که در شیوه زندگی انسان‌ها مؤثر است. سبک زندگی پلی است میان انتخاب‌های فردی، عوامل ساختاری محدودکننده و نیز تجربه‌های افراد در میدان‌های اجتماعی مختلف و مفاهیمی چون هویت، فرهنگ، سلیقه، مصرف، سنت و نوگرایی، تولید و مصرف و... را شامل می‌شود. در این میان وقتی که از فرهنگ در نگاه دینی به عنوان تعیین‌کننده‌ترین امر در کنار اقتصاد و سیاست در یک جامعه اسلامی سخن به میان

می‌آید، نقش آحاد مردم در این امر برجسته می‌شود؛ در اینجا است که این سؤال مطرح می‌شود که ریشه مشکلات ما در چیست؟ و چرا جوامع اسلامی کمی عقب‌مانده‌اند؟ که در یک کلام می‌توان آن را به فرهنگ مرتبط ساخت.

وقتی که فرهنگ ما متأثر شده و برآمده از دین است و دین در واقع شکل‌دهنده و پدیدارکننده سنت خاص در جامعه ایران است، سبک زندگی اعم از خانواده، ادبیات بومی کشور، اقتصاد، روابط و فرهنگ به‌نوعی باهم پیوند خورده است و زمانی که ما وارد عرصه‌هایی همچون اقتصاد و فرهنگ در مقوله سبک زندگی می‌شویم به نظر می‌رسد که برقراری نسبت مستقیم و برقراری ارتباط میان این دو حوزه کمی دشوار باشد و شاید به کار بردن این دو واژه در یک امتداد یعنی «اقتصاد فرهنگ» و یا «فرهنگ اقتصاد» موضوع را پیچیده‌تر کند. به‌عنوان مثال امروزه مصرف‌گرایی، توجه به مد، تشریفات و توجه به داشتن لوازم لوکس، همه نشان‌دهنده ارتباط فرهنگ و اقتصاد است.

درواقع در سایه سبک زندگی اسلامی، هم فرهنگ بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد و هم اقتصاد بر فرهنگ؛ به‌گونه‌ای که در حوزه «اقتصاد فرهنگ» سرمایه‌گذاری برای تولید ابزارها در دیگر بخش‌های جامعه است مانند سرمایه‌گذاری در تبلیغات به‌منظور کاهش مصرف‌گرایی و سوق دادن نیازهای مردم به سمت یک الگوی مشخص است درحالی‌که در مقوله «فرهنگ اقتصادی» توجه به گرایش‌ها و شناخت آحاد جامعه بر طبق معیارهای مطلوب ارزش‌ها و نظام متناسب است به نوع دیگر اهداف اقتصادی در دایره سبک زندگی ایرانی - اسلامی قرار می‌گیرد و این همان نقطه‌ای است که میزان افزایش رفاه اقتصادی نسبت به رضایت زندگی افراد را در جامعه اسلامی نشان می‌دهد.

بنابراین در نظر گرفتن مقوله فرهنگی در ساختار اقتصادی و برعکس مقوله اقتصادی در ساختار فرهنگی بر اساس الگوهای موردپذیرش جامعه است که در مقوله سبک زندگی اسلامی بهتر جای می‌گیرند که تنها در مرزهای ملی یک ناحیه مختص نمی‌شوند و باید به‌گونه‌ای عینی گردند که این عینیت در سایر اشکال سبک زندگی نمودار شود؛ که بنا به فرموده مقام معظم رهبری شیوه رسیدن به این سبک از زندگی و استفاده از ابزارهای اقتصاد فرهنگی و فرهنگ اقتصادی نوعی مهندسی فرهنگی است که در سبک والای اسلامی لازم و ملزوم یکدیگرند.

پیشنهادها:

با توجه به نتیجه‌گیری‌های حاصل‌شده از این مقاله در راستای فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌پذیری و نیز تحقق اقتصاد بر مبنای سبک اسلامی چند پیشنهاد ارائه می‌گردد:

- 1 - اولویت اول برای فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌پذیری، برآورده ساختن پیش‌نیازهای اساسی جامعه که اصل آن‌ها شغل و کار است، از سوی دولت و جامعه با همکاری و تأمل و یکرنگی.
- 2 - زمینه‌سازی آشنایی با فرهنگ و سبک زندگی اسلامی به‌گونه‌ای واضح‌تر و آشکارتر در کتب کلیه مقاطع تحصیلی
- 3 - آشنایی جامعه و مردم به‌صورت هم‌زمان و مقایسه‌ای با فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی و ضد فرهنگ ایرانی اسلامی با برپایی کارگاه‌های آموزشی در ادارات، مساجد، مراکز تفریحی و ...
- 4 - عزم ملی در جهت حمایت از تولید ملی که شامل ارتقاء کیفیت و بهره‌وری کالاهای داخلی و عادت به مصرف کالاهای تولید

داخل

دومین کنفرانس بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی

The Second International Congress of Religious Thought and Research

۱۴ مهر ۱۳۹۴

8-October-2015

- 5 - احیای فرهنگ قناعت در جهت اصلاح نقاط ضعف فرهنگی و اقتصادی از جمله اسراف، مصرف‌گرایی بیش‌ازحد و زیاده‌خواهی و ... از طریق رسانه‌های جمعی عمومیت یابد.
- 6 - برنامه‌ریزی دقیق در عرصه آموزش از طریق دستگاه‌های فرهنگ‌ساز همچون صداوسیما
- 7 - توجه جدی به بومی‌سازی تولید و مصرف با حضور علما، اساتید، روشنفکران اسلامی و انقلابی، هنرمندان عرصه فرهنگ، ورزشکاران و ...
- 8 - بسیج شدن جامعه اعم از متفکران دانشگاهی و حوزوی و ...
- 9 - اولویت بخشیدن به مشکلات و سرعت دادن به کارها،
- 10 - بکارگیری تمام ظرفیت نخبگان جامعه و کنار گذاشتن سلیقه‌های حزبی و شخصی، استعدادیابی در مدارس و دانشگاه‌ها

منابع و مأخذ:

- 1 - تراسپی، دیوید (1391). اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، چاپ پنجم، نشر نی
- 2 - دهخدا، علی‌اکبر (1364). لغت‌نامه، ج 27 و 28، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا
- 3 - شریفی، احمد حسین (1392). همیشه‌بهار - اخلاق و سبک زندگی اسلامی - چاپ اول، قم: انتشارات معارف.
- 4 - فاضلی، محمد (1382). مصرف و سبک زندگی، قم، چاپ اول، نشر صبح صادق
- 5 - شریفی، احمد حسین (1391). مقاله سبک زندگی به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان، نشریه فرهنگی - اجتماعی معرفت، سال سوم، شماره سوم، تابستان 1391، صفحه 49 - 62
- 6 - موسوی گیلانی، سید رضی (1392). مقاله چیستی و چرایی «سبک زندگی» و نسبت آن با دین و مهدویت، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال هفتم، شماره 25، بهار 1392، صفحه 123 - 138
- 7 - سایت خوانسار نیوز www.khansarnews.ir
- 8 - پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه www.hawzah.net
- 9 - سایت دلشده www.delshodeh.ir
- 10 - سایت راسخون www.rasekhon.net
- 11 - سایت واژه‌یاب www.vaiehyab.ir